

در گذشت ملک الشعراء بهار ادیب و سیاستمدار



استاد محمدتقی بهار پسر ملک الشعرا محمد کاظم صبوری در سال ۱۲۶۶ ش در مشهد به دنیا آمد. از هفت سالگی به سرودن شعر روی آورد و از مظفرالدین شاه در ۱۸ سالگی لقب ملک الشعرایی گرفت. وی از محضر ادیب نیشابوری استفاده برد و علی‌رغم منع پدر از سرودن شعر، به دلیل علاقه و استعداد ذاتی، به این هنر گرایید. محمدتقی بهار پس از مرگ پدرش دنبال تکمیل تحصیلات علمی را به منظور تقویت بنیه‌های شاعری گرفت و به مرور سرآمد همه شاعران معاصر ایران گردید، تا جایی که به عنوان آخرین استاد شعر کلاسیک فارسی شناخته شد و آواز جهانی پیدا کرد. بهار بعدها به خدمت دولت درآمد و پس از مدتی اشتغال در مناصب دولتی، در سلک آزادی خواهان و مشروطه طلبان جای گرفت. بهار فعالیت‌های سیاسی خود را از آغاز نهضت مشروطه آغاز کرد و در این راه متحمل رنج زندان و تبعید و آزاری گی گردید در همه این احوال از آن روزها و شب‌ها که ملک الشعرا بهار، عمر خود را در زدوخوردهای سیاسی و روزنامه‌نگاری و حبس و تبعید و خدمت در مجلس شورای ملی می‌گذرانید تا آن ساعت‌ها که با لحن دلچسب و سخنان دل‌انگیز و اشارات دلنشین خود در کلاس درس اشتغال داشت، حتی در ایام بیماری و آخرین روزهای زندگی، ذهن خلأش از آفرینش معانی و موضوعات جدید باز نایستاد و مجموعه‌های شعری پدید آورد. از لحاظ ادبی نیز اهمیت شعر بهار بیشتر از آن جهت است که او زبان فصیح پیشینیان را به بهترین و دل‌انگیزترین صورت در سخن خود به کار برده است. بهار با اطلاع وافری که از زبان فارسی و ادبیات قبل از اسلام داشت، به خلق ترکیبات جدید و وارد کردن بسیاری از لغات متروک لهجه‌های کهن در آثار خود توفیق یافت. تصحیح و حاشیه تاریخ سیستان و مجمل‌التواریخ و تألیف سبک‌شناسی نثر فارسی و دیوان اشعار و چند نوشتار سیاسی از جمله آثار اوست. استاد محمدتقی بهار سرانجام در اول اردیبهشت ۱۳۳۰ ش در ۶۴ سالگی به مرض سل درگذشت.

آغاز دومین جنگ امپراتوری ایران و روم در زمان پادشاهی ساسانیان



جنگ‌های ایران و روم از سلسله جنگ‌های خونینی است که در چندین دوره انجام شد. دومین دوره این جنگ‌ها در ۲۱ آوریل ۳۵۹م با حمله سپاه ایران به متصرفات روم آغاز شد. فرماندهی ایران، شاپور دوم معروف به شاپور ذوالاکتاف، پادشاه ساسانیان بود که دوران سلطنت وی ۶۹ سال به طول انجامید. از آن طرف، فرماندهی سپاه روم با ژولین، امپراتور رومیان بود که برای بازگرداندن عظمت روم و مرام بت‌پرستی، تلاش ناموفقی انجام داد. در این جنگ که در منطقه تیسفون در حوالی بین‌النهرین در عراق امروزی به وقوع پیوست، چندین قلعه مهم رومیان به تصرف سپاه ایران درآمد. در ادامه این جنگ، ژولین با سپاه فراوانی که در شامات جمع نمود، ضمن عبور از رود فرات، تیسفون را فتح کرد، اما با کشته شدن او به دست یکی از سرداران ایرانی، این جنگ پس از ۴ سال زد و خورد در هشتم ژانویه ۳۶۳م خاتمه یافت و جانشین ژولین تقاضای صلح کرد. در نتیجه، عهدنامه صلح بین ایران و روم به امضا رسید و دومین دور از جنگ‌های ایران و روم به پایان رسید.

زادروز شهر رم



۲۱ آوریل زادروز شهر رم پایتخت ایتالیااست. «پلوتارک» و «لیوی» داستان ایجاد شهر رم را در تالیفات خود، برپایه «شنبده‌ها» تأیید کرده اند. طبق افسانه ها، شهر رم توسط دو برادر دوقلو به نام های رموس Remus و رمولوس Romulus ساخته شده و بنای آن ۲۱ آوریل سال ۷۵۳ پیش از میلاد به اتمام رسیده بود. همین افسانه ها حکایت دارد که رمولوس در همان روز اتمام کار ساختن رم (۲۱ آوریل ۷۵۳ پیش از میلاد) برادرش رموس را کشت (تا رقیب نداشته باشد) و دو روز بعد خود را حکمران شهر اعلام داشت. شهر رم در منطقه مسکونی لاتئوم Latium ساخته شد و نخستین ساکنان آن لاتین ها بودند ولی رمولوس که تا سال ۷۱۷ پیش از میلاد زنده بود و ۲۶ سال بر رم حکومت کرد به مهاجران یونانی که در جنوب و جنوب شرقی شبه جزیره ایتالیا سکونت داشتند اجازه داد که به رم مهاجرت کنند. وی بعدا اصول دموکراسی را از یونانی های مهاجر فرا گرفت و برای اداره شهر رم، یک شورای انتخابی به وجود آورد که بعدا که رم با تسخیر سایر مناطق به صورت کشوری بزرگ در آمد این شورا «سنای رم» نام گرفت.

گفته شده است که پدر رموس و رمولوس از شهری به نام آمستردام به گلز رود تیبر در لاتئوم (محلّی که بعدا شهر رم در آنجا ساخته شد) مهاجرت کرده بود. ولی روشن نیست که این آمستردام در کجا واقع بود.



تاریخ زبان فارسی و اندیشه‌ورزی در مشرق زمین مشحون از چهره‌ها و شخصیت‌هایی است که هر یک به تنهایی می‌توانند داعیه‌دار بخشی از علم و دانش و معرفت باشند. در این میان علامه محمد اقبال لاهوری نقش و جایگاهی خاص و ویژه دارد. هم او بود که در راه استقلال کشورش تلاش‌های فراوانی کرد و مرارت‌های بسیار کشید. اقبال را می‌توان عصاره‌ای از معرفت و ذوق دانست. گرچه ما ایرانیان بیشتر اقبال شاعر را می‌شناسیم تا اقبال اندیشمند. با این همه اما او در عرصه نقد و نظر هم موجودی کم‌نظیر بود. دوران کودکی محمد اقبال لاهوری، شاعر، فیلسوف، متفکر و از بانیان کشور بزرگ پاکستان، دوران پرفراز و نشیب و بس آموزنده‌ای است. او روز جمعه سوم ذی القعدة سال ۱۲۹۴ هجری قمری مطابق با ۹ نوامبر ۱۸۷۷ میلادی به هنگام اذان صبح در شهر سیالکوت در یک خانه کوچک یک طبقای، در اطاق کوچکی که فقط نور کم رنگ شمعی آن را روشن می‌کرد، چشم به جهان گشود. اقبال دو ساله بود که متوجه شدند چشم راستش ضعیف است، در آن زمان او آن قدر کودک بود، که نمی‌دانست و نمی‌فهمید چشمش سالم نیست، بدین جهت پزشکان تصمیم گرفتند از چشم او خون بگیرند.

زمانی که وی دوران دانشجویی خود را می‌گذرانید عینک می‌زد می‌گفت:

چشم من در دو سالگی ضایع شد!

اقبال چهار سال و چهار ماه داشت که پدرش شیخ نور محمد او را به مکتب مولانا غلام حسن سیررد و او آموزش قرآن را در مکتب و مسجد می‌آموخت، شهبها درسهای خود را در خانه کوچک و فقیرانه‌ای که در اطاق‌های آن برقی وجود نداشت، در پرتو نور شمع می‌خواند و به خاطر می‌سپرد.

یک روز مولانا سید میر حسین به آموزشگاه رفت، وقتی اقبال کوچولو را مشغول درس خواندن دید، پیشانی گشاده و قیافه معصوم و موهای خاکستری این کودک او را سخت تحت تاثیر قرار داد و از استاد او خواست غیر از آموزشهای دینی، آن کودک را با آموزش علوم جدید هم آشنا کند که با موافقت پدر اقبال استاد او را به آموختن ادبیات فارسی، اردو و عربی وادار کرد.

اقبال بسیار باهوش و زیرک بود و آموزش این دوره را تقریبا به مدت سه سال به پایان رسانید. در عین حالی که با درآمد کمی که از معازره پدر به دست می‌آورد، زندگی ساده‌ای را سیری می‌کرد.

پدر اقبال معازره کلاه و نقاب دوزی و جاردوزی داشت، اما وقتی خرج روزانه خود را در می‌آورد، در مجالس علماء و دانشمندان شرکت می‌کرد و همراه آنان به مناجات و عبادت خداوند می‌پرداخت.

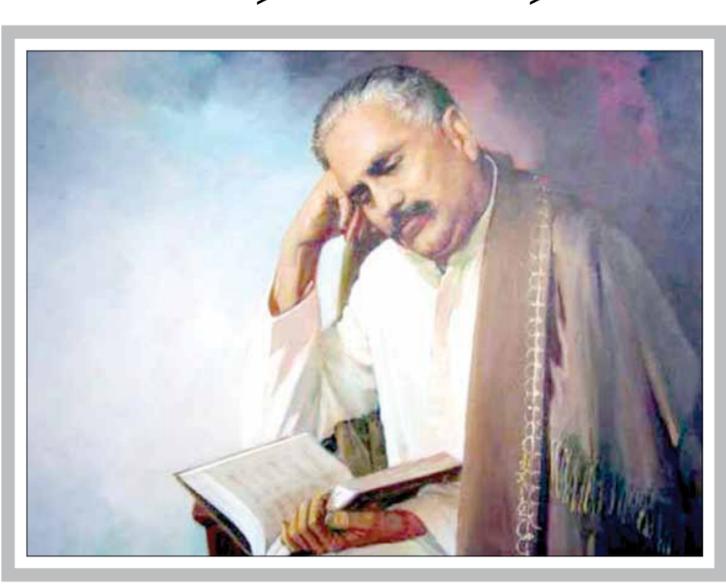
اضافه بر این کتابهای: فتوحات مکیه و فصوص الحکم، محی الدین ابن عربی را می‌خواند.

اقبال می‌گوید: از سن چهارسالگی گوشهای من با اسم و تعلیمات این کتابها آشنا شد و مدتها تدریس هر دو کتاب در خانه ما ادامه داشت، ولی در ابتدای کودکی همه این مسائل از قدرت

۲۱ آوریل سالروز اعدام تیرادنتس Tiradentes خوزه دا سیلوا خاویر Joaquim Jose da Silva Xavier also known as Tiradentes. قهرمان ملی برزیل و روز ملی این کشور است. وی که برضد سلطه پرتغال بر برزیل قیام مسلحانه کرده بود پس از دستگیر شدن، ۲۱ آوریل ۱۷۹۲اعدام شد. به دستور حکمران پرتغالی برزیل، تیرادنتس را قطعه قطعه کردند و هر قطعه او را به یک شهر فرستادند تا مردم ببینند و اندیشه انقلاب و استقلال را از سر بیرون کنند. با این که استقلال برزیل در هفتم سپتامبر ۱۸۲۲ به تحقق پیوست، اما ۲۱ آوریل برای هرزوی است بزرگ. تیرادنتس یک روشنفکر انقلابی بود و تحت تاثیر افکار «ژان ژاک روسو» و سایر اندیشمندان دوران روشنگری اروپا قرار گرفته بود. قیام او، همزمان با انقلابهای فرانسه و آمریکای شمالی (ایالات متحده) بود.

بازخوانی زندگی محمداقبال لاهوری به بهانه زادروزش

فیلسوفِ شاعرِ یا هنرمندِ اندیشه‌ورز



فهم من بیشتر بود. با این وجود در این مجالس درس شرکت می‌کردم، اما وقتی به زبان عربی آشنایی پیدا کردم، قدرت و فهم من اضافه شد و بر اثر پیشرفت در علم و تجربه شوق و شناخت من بیشتر گردید. او در سال ۱۸۸۴ میلادی به پنجاب رفت و تحت تعلیم استادانی که اعتقاد و ایمان عمیقی داشتند و عاشق قرآن و حفظ آن بودند، آموزش زبان فارسی، عربی، ادبیات اردو، علم و حکمت را ادامه داد و در تهذیب نفس و فضائل اخلاقی دارای رتبه بلندی شد. قبلا اشاره کردیم فضای خانواده اقبال یک فضای معنوی بود، پدر او هم هرگاه می‌خواست فرزند خود را به عملی وادار سازد، یا از کار نایبندگی منع کند، از آیات قرآن و رفتار پیغمبر (ص) برای وی می‌خواند وقتی هم اقبال از زبان پدر آیمای از قرآن یا حدیثی را می‌شنید، بدون کوچکترین ناراحتی آن را می‌پذیرفت و آرامش خاطر می‌یافت.

بدین جهت اقبال هشت نه ساله خود هر روز صبح تلاوت قرآن می‌کرد، پدر هم وقتی او را در این حال می‌دید می‌گفت: وقتی فرصت پیدا کردم به تو یک مطلب مهمی را خواهم گفتم.

۱- نظریه توحید مطلق نوشته‌ش شیخ عبدالکریم جلی، ترجمه به‌زبان انگلیسی.

۲- ترجمه و تلخیص کتاب پلوتیکان آکانومی از واکر به زبان اردو.

۳- ترجمه و تلخیص کتاب ارلی پلاتیجینس اثر استیس به زبان اردو.

پرونده ربوده شدن افشار طوس بازخوانی شد

راز پنهان قتل رئیس شهربانی کل کشور

جوسپاسی حاکم بر کشور بعد از جریان نهم اسفند و توطئه‌ها و کارشکنی های استعمار و عوامل داخلی آن کلیه دولت ملی دکتر صدیق، می باید تمام تلاشش را به کشف قتل یک مامور محرم و اعتمادش معطوف می کرد تا این ربودن و قتل مقدمه ربودن و قتل خود وی در کمتر از یک ماه بعد نشود.

جالب این است که پس از قتل افشارطوس نیز ماموران فرمانداری نظامی و شهربانی به هدایت سرهنگ سررشته که افسری ورزیده و مورد اعتماد دولت بوده است، نیز از کشتار از قتل حسین ذبیح پور مامور ویژه شهید افشارطوس غافل مانده و در پی گیری های دقیق و کارساز خود هیچ ارتباطی میان این دو جنایت نیافتد اند و شاید عواملی در کاربوده که آنان را به گمراهی کشانده است.

ناصر زمانی مامور خانی که همچون مرحوم حسین ذبیح پور محرم سرلشکر شهید افشارطوس بوده است از ابتدا می دانسته که رئیس شهربانی به خانه حسین خطیبی در خیابان خانقاه رفته و پس از بهوش کردن وی به غار تلو منتقل و سپس به طرز فجیعی کشته شده است اما این عنصر خائن راز جنایت را از شخص دکتر صدیقی وزیر کشور و سایر ماموران مکتوم داشته و بعدها یعنی در دادگاه انقلاب اسلامی که این خائن را به عنوان شکنجه گر سلاوا محاکمه می کرد، پرده از این جنایت برداشت و اعتراف کرد که افشارطوس پیش از رفتن به منزل خطیبی وی را همچون دفعات قبل که هرجا به صورت محرمانه به اطلاع می داد، این بار نیز وی را می رفت در جریان گذاشته است. وی همچنین اعتراف کرد که مرحوم حسین ذبیح پوردر سوم فروردین ماه به دست عوامل قتل افشارطوس ربوده شده و سپس به شهادت رسیده و جسدش در بیابان های کرج رها شده است.

عجشش در بیابان های کرج یافت می شود. جسدش برای جلوگیری از افشای جنایات خود، این مامور صدیق و شایسته را به قتل رساندند.

زمانی پس از کودتای ۲۸ مرداد به پاس خدماتش به عوامل استعمار و خیانت به شخص افشارطوس با تاسیس سلاواک در شمار نخستین کارکنان این سازمان جهنمی در آمده و تا به ریاست رسیدن یکی از ادارات مهم سلاواک ترقی کرده است.

حدود ۴ سال بعد از انقلاب یکی از ماموران سازمان جاسوسی انگلستان (ام ای ۶) در گفت وگو با شبکه بی بی سی به صراحت اعتراف کرد که جنایت ربودن و قتل افشارطوس از سوی جاسوسان انگلستان که در پوشش خبرنگار و… در تهران فعالیت می کردند، طراحی و نظارت شده است.

قتل مرحوم حسین ذبیح پور مامور خادم و میهن پرست شهربانی نزدیک به سی سال

استعمار پرتغال، انقلابی بزرگ برزیل را قطعه قطعه کرد

۲۱ آوریل سالروز اعدام تیرادنتس Tiradentes خوزه دا سیلوا خاویر Joaquim Jose da Silva Xavier also known as Tiradentes. قهرمان ملی برزیل و روز ملی این کشور است. وی که برضد سلطه پرتغال بر برزیل قیام مسلحانه کرده بود پس از دستگیر شدن، ۲۱ آوریل ۱۷۹۲اعدام شد. به دستور حکمران پرتغالی برزیل، تیرادنتس را قطعه قطعه کردند و هر قطعه او را به یک شهر فرستادند تا مردم ببینند و اندیشه انقلاب و استقلال را از سر بیرون کنند. با این که استقلال برزیل در هفتم سپتامبر ۱۸۲۲ به تحقق پیوست، اما ۲۱ آوریل برای هرزوی است بزرگ. تیرادنتس یک روشنفکر انقلابی بود و تحت تاثیر افکار «ژان ژاک روسو» و سایر اندیشمندان دوران روشنگری اروپا قرار گرفته بود. قیام او، همزمان با انقلابهای فرانسه و آمریکای شمالی (ایالات متحده) بود.



۴- علم اقتصاد، به زبان اردو.

اقبال در سال ۱۹۰۵ به تشویق پرفسور سر توماس آرنلد به انگلستان مسافرت کرد و در دانشگاه کمبریج به فراگرفتن فلسفه مشغول شد و رساله دکتری خود را به نام سیر فلسفه در ایران به زبان انگلیسی تهیه کرد.

در سال ۱۹۰۸ از دانشگاه منیخ برای نوشتن آن رساله، درجه دکتری ا فلسفه دریافت کرد و همان سال به کشور خود بازگشت.

محمد اقبال چندین سال رئیس دانشکده مطالعات شرقی و مدیر گروه آموزشی فلسفه در دانشگاه پنجاب بود، در عین حال به کار وکالت دادگستری می‌پرداخت. اما محیط ناسامان زندگی، اختلافها و کشمکشها و همچنین علاقه به آزادی او را به شرکت در کارهای سیاسی کشانید، در سال ۱۹۲۸ به عضویت مجلس قانونگذاری پنجاب انتخاب شد، و در سال ۱۹۳۲ در کنفرانسی که در لندن برای بنیان گذاری قانون اساسی شبه قاره هند و پاکستان ترتیب داده شده بود شرکت کرد.

او در نوسندگی و شاعری استعداد فوق العادهای داشت و آثار منظومش به زبانهای فارسی و اردو، آثار جاویدان و کم نظیری است. زیرا وی روی اعتماد به نفس و بازگشت به هویت اسلامی همه مسلمانان جهان تاکید فراوان داشت.

آثار منظوم علامه محمد اقبال، به فارسی عبارتند از:

۱- اسرار خودی ۲- رموز بیخودی ۳- پیام شرق ۴- زبور عجم ۵- جاویدنامه ۶- مسافر ۷- چه باید کرد؟

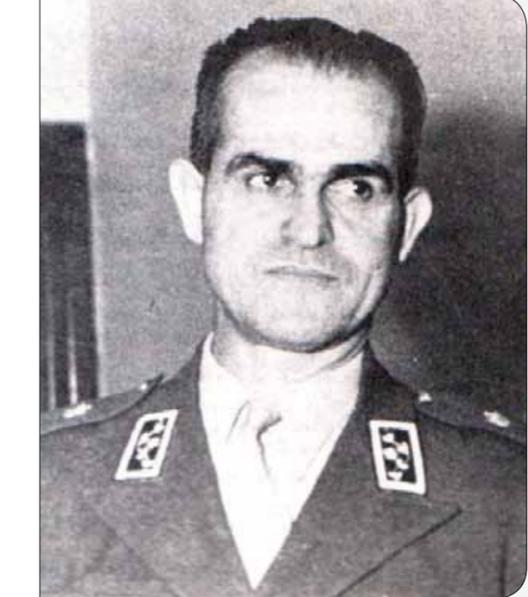
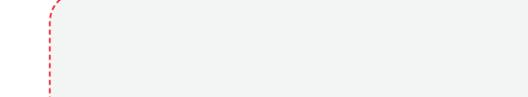
آثار او به زبان اردو عبارت است از:

۱- بانگ درا ۲- خضر راه ۳- طلوع اسلام ۴- بال جبرئیل ۵- ضرب کلیم ۶- شکوه ۷- جواب شکوه ۸- سیر فلک ۹- ارمعان حجاز به فارسی و اردو.

کتاب عمیق و فلسفی دیگر علامه اقبال احیای فکر دینی در منظومای است، که در سال ۱۹۳۰ در لاهور به چاپ رسیده و در سال ۱۳۳۶ هجری شمسی توسط دکتر احمد آرام، به فارسی ترجمه شده است.

اقبال مدتی را هم در آلمان به سر برد و در سال ۱۹۲۳ کتاب پیام شرق را در جواب کتای دیوان غربی گوته شاعر آلمانی سروده است.اگر چه علامه محمد اقبال لاهوری به ایران نیامده بود اما اشعار و دیوان ارزشمند او که در ایران هم به چاپ رسیده، از فصاحت و بلاغت و مفاهیم بلند اسلامی برخوردار است.

اقبال در سال ۱۹۳۳ از افغانستان دین‌دار کرد و مزار حکیم سنائی را زیارت نمود، چهارم دسامبر ۱۹۳۳ از دانشگاه پنجاب درجه دکتری افتخاری گرفت.اما در سال ۱۹۳۴ به گلورد مبتلا شد، در سال ۱۹۳۸ به تنگی نفس و ضعف قلب دچار گردید و سرانجام این دانشمند بزرگ، که به راستی احیاگر سترک فکر دینی در مشرق زمین بود، بیست و یکم آوریل ۱۹۳۸، مطابق با ساعت پنج صبح پنجشنبه بیستم ماه صفر ۱۳۵۷ هجری قمری، در ۶۱ سالگی با عزت و سربلندی درخشانی، در پاکستان چشم از جهان فروست.



در پرده ابهام بود و تصور می شد که نامبرده دست به خودکشی زده است و هنگامی که مساله قتل ذبیح پور در دادگستری در مرحله بازپرسی بود حتی یک افسر شهربانی شهادت داد که در سوم فروردین ماه آن مرحوم را در مقابل دانشگاه تهران دیده و پس سلام و احوالپرسی و تبریکات عید نوروز، از وی درباره علت حضورش در مقابل دانشگاه می پرسد که مرحوم ذبیح پور در پاسخ می گوید: به انتظار یکی از آشنایان ایستاده تا به اتفاق به جایی بروند.

با وجود شهادت واضح این افسر ، ماموران پی گیری قتل از یافتن علت قتل غافل مانده یا به عمد آن را نادیده می گیرند.

ارتش سرخ برلین را محاصره و «فیلد مارشال مدل» خودکشی کرد

را مدیریت کرده بود که به علت نداشتن سوخت کافی و مهمات نتیجه‌ناشت

۲۱ آوریل در بخش دیگری از آلمان نیروهای متفقین غربی آزمایشگاه های اتمی آلمان را تصرف و اشیاء، اسناد و کارکنان آنها و ازجمله چند دانشمند اتمی-موشکی را به دست آوردند که بعدا به آمریکا منتقل شدند و…

در روزهای آخر، نوجوانان آلمانی و مردان سالخورده از برلین دفاع می کردند و مقاومت و دفاع پسران ۱۲ تا ۱۵ ساله به شهادت سربازان روس، بهتر از پدرانشان و نظامیان حرفه ای بود. فیلد مارشال مدل با فرستادن نوجوانان به مقابل ارتش سرخ مخالف بود ولی راهی جز اطاعت از پیشوا(هیتلر) نداشت.

بیست و یکم آوریل ۱۹۴۵ واحدهای ارتش شوروی شهر برلین را از فاصله چهار کیلومتری محاصره و زیر آتش توپ قرار دادند و عناصر دو لشکر پیاده و کماندو روس مامور رخنه به شهر شدند که تا آخر وقت این روز به قرارگاه های سرفرماندهی ارتش آلمان رسیدند و حمله به این قرارگاه ها آغاز شد.

۹ روز بعد برلن به دست روسها افتاد و هیتلر خودکشی کرد. فیلد مارشال «ئوتوموریتس والتر مدل»از فرماندهان نیروهای مسلح آلمان ۲۱ آوریل خودکشی کرد.وی گفته بود که به این اصل که یک فیلد مارشال آلمانی نباید به اسارت درآید وفادار خواهد ماند. فیلد مارشال مدل بود که آخرین تعرض زرهی آلمان به نام نبرد «بالز»

